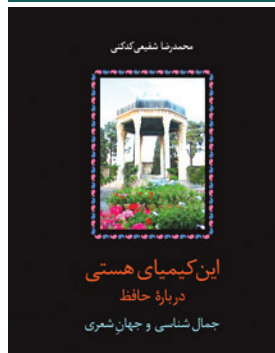


شفیعی‌کدکنی از بیماری «انسان‌نویسی در تحقیقات ادبی» سخن می‌گویند تا بحث پایانی جلد سوم که بحث «مستور و مست» و پیوند آن با اندیشه‌های صوفیانه و اشعری‌گری است و بحث آدم و نیز اراده‌ی معطوف به آزادی که از دید دکتر شفیع‌کدکنی هیچ یک از

## سیصدویست و یکمین نشست حافظانه

بازشناسی کتاب این کیمیای هستی

اثر دکتر محمد رضا شفیع‌کدکنی



سخن‌سرایان ایرانی از این نظر به پای حافظ نمی‌رسند.

ایشان در پایان ضمن قدردانی از همه‌ی حاضران، سپاس ویژه‌ی خود را به استادان ارجمند، آقای دکتر نصرالله امامی و خانم دکتر منیژه عبدالهی که دعوت ایشان را برای سخنرانی در این جلسه و بازشناسی کتاب یادشده پذیرفتند، تقدیم کرد.

در ادامه‌ی این مراسم، دکتر نصرالله امامی، استاد بازنشسته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سخنان خود را با محور گستره‌ی پژوهشی آثار دکتر شفیع‌کدکنی آغاز کرد و گفت: حوزه‌ی پژوهش‌های استاد شفیع‌کدکنی شامل گستره‌ی چشمگیری است که پژوهش‌های مستقلی در حوزه‌ی نقد و تصحیح متون کهن و معاصر، تاریخ‌نگاری ادبی و سبک‌شناسی، عرفان‌پژوهی و چند شاخه‌ی دیگر را دربرمی‌گیرد.

ایشان به چاپ‌های پیشین کتاب این کیمیای هستی اشاره کرد و گفت: این کیمیای هستی نام مجموعه‌ای آراسته به نام استاد شفیع‌کدکنی است. چاپ اول این کتاب در یک جلد، به همت ولی‌الله درودیان، در سال ۱۳۷۸ به‌وسیله‌ی انتشارات آیدین تبریز منتشر شد. این چاپ با وجود شهرت خود به اعتبار نام و جایگاه استاد شفیع‌کدکنی، بازتاب درخور و چشمگیری نیافت و علت این موضوع، شاید سلیقه و شیوه‌ی تدوین این اثر بود که براساس پسند گردآورنده و نه عاملیت و نظر استاد انجام شده بود. همین موضوع سبب شد تا پژوهشگرانی که به این اثر استناد می‌کنند، به‌ویژه در بخش یادداشت‌ها، با احتیاط عمل کنند؛ زیرا گردآورنده در برخی از یادداشت‌ها، به اجتهاد خود مطالب و شواهدی افزوده که به لحاظ علمی مجاز به انجام آن نبوده است. چند سال بعد استاد شفیع‌کدکنی زیر

نشست بازشناسی کتاب این کیمیای هستی، اثر دکتر شفیع‌کدکنی، روز یکشنبه ۲۵ فروردین‌ماه ۱۳۹۸، در مجموعه‌ی تالار حافظ، به همت مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، با حضور جمعی از دانشگاهیان و اهالی فرهنگ و ادب برگزار شد.

در این مراسم نخست دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی ضمن خوشامدگویی به حاضران و سپاسگزاری از سخنرانان جلسه، یادآور شد که در مراسم افتتاحیه‌ی بیست‌ودومین یادروز حافظ (۲۰ مهرماه ۱۳۹۷)، کتاب این کیمیای هستی رسماً رونمایی شد، اما در آن زمان امکان و مجال بررسی این کتاب نبود به همین دلیل مرکز حافظ‌شناسی نشست اختصاصی این اثر را در برنامه‌ی کاری خود قرار داد و هم‌اینک بسیار خرسندیم که به بهانه‌ی بازشناسی کتاب این کیمیای هستی گردهم آمده‌ایم.

مدیر کرسی پژوهشی حافظ، درخصوص کتاب این کیمیای هستی با اشاره به اینکه، مطالب این کتاب در سه جلد و نزدیک به ۱۳۰۰ صفحه (۱۲۸۰ صفحه)، از سوی انتشارات سخن، در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است، گفت: البته آقای دکتر شفیع‌کدکنی وعده‌ی تألیف جلد چهارم و پنجم این کتاب را هم داده‌اند.

وی افزود: به دلیل ماهیت این کتاب که برخی مطالب آن پیش از این به گونه‌ای پراکنده در آثار دیگر آقای دکتر شفیع‌کدکنی آمده است، مباحث گاهی به‌ناگزیر تکرار شده و استاد شفیع‌کدکنی در مقدمات، از این ناگزیری تکرار چندین بار سخن گفته‌اند. اما بازم مطالب خواندنی دیگری در این مجموعه وجود دارد؛ از آغاز جلد نخست که آقای دکتر



حافظ‌شناسی خواند و مطالعه‌ی بردبارانه‌ی آن را به همه‌ی دانشجویان و علاقه‌مندان شعر حافظ توصیه کرد.

دکتر منیژه عبدالهی دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم پزشکی شیراز نیز، آخرین سخنران این نشست بود. وی با استناد به کتاب این کیمیای هستی گفت: استاد محمدرضا شفیع‌کدکنی برای این باور هستند که در بوطیقای حافظ معانی بر بیان مقدم است. (این کیمیای هستی، ج ۲، ص ۱۱۳) به نظر می‌رسد این مفهوم و این عبارت درباب سه جلد کتاب این کیمیای هستی که حاصل تقریرات ایشان در سلسله درس‌گفتارهای حافظ‌شناسی است، نیز صادق است. به دیگر سخن، کتاب این کیمیای هستی فارغ از رسم و رسوم رایج در تألیف کتاب‌های تحقیقی و پژوهشی، تنها به معنا و مفهوم و محتوا نظر دارد و در پرداخت معانی حافظانه هیچ آدابی و ترتیبی نمی‌جوید. از این رو کسانی که در جست‌وجوی متنی منسجم و تحقیقی در خصوص شعر حافظ هستند، نمی‌توانند خواسته و مطلوب خود را در این کتاب بیابند. از سوی دیگر اما، کتاب کام و مراد حافظ‌دوستانی را که می‌خواهند چندی با مضامین، واژه‌ها، ترکیب‌ها و اندیشه‌های حافظ، بی‌واسطه، سرکنند و خاطر خوش دارند، برآورده می‌کند و ذوق ادب‌دوستانی را برمی‌انگیزد که می‌خواهند چندی بی‌مزاحمت سخت‌گیری‌های نوشته‌های رسمی، در فضای شعر حافظ نفسی تازه کنند و احیاناً پروازی و فرازوفرودی حافظ‌وار را تجربه کنند.

نظر خود، چاپ جدیدی از این اثر به دست داده که به‌کلی با چاپ پیشین آن متفاوت است. چاپ اخیر که یک‌بار در سال ۱۳۹۶ و بار دیگر در سال ۱۳۹۷ به‌وسیله‌ی انتشارات سخن در سه جلد منتشر گردیده است.

وی در ادامه به معرفی هریک از سه جلد کتاب یادشده پرداخت و گفت: جلد اول از این چاپ، به بوطیقا یا شعرشناسی حافظ اختصاص یافته که مجموعه‌ای از مقالات کوتاه و بلند پیرامون شعرشناسی حافظ است. برخی از این مقالات برگرفته از دیگر آثار استاد و بعضی برای اولین بار است که منتشر می‌شود. جلد دوم شامل یادداشت‌های استاد در حوزه‌ی واژگان حافظ است که گونه‌ای مطالعه‌ی فیلولوژیک و واژه‌شناسی در شعر حافظ است و می‌تواند برای درک مفردات و مفاهیم شعر حافظ، مفید و مغتنم باشد. جلد سوم کتاب، شامل درسنامه‌های حافظ از سال ۱۳۴۹ به بعد در درس حافظ‌شناسی استاد است که در دانشگاه تهران برگزار می‌شده و همچنان ادامه دارد. در نتیجه اثر حاضر ممکن است در آینده نیز گسترش یابد و چاپ مجلدات جدیدی از آن براساس تقریرات و یافته‌های علمی جدید ادامه پیدا کند و منتشر شود. بخش اخیر یعنی جلد سوم، با همکاری شمار بسیاری از شاگردان استاد نگاشته شده و هر قسمت از آن شیوه و نثر خاص خود را دارد و استاد تنها به ویرایش و نظارتی اجمالی بر این بخش اکتفا کرده است.

امامی در پایان سخنان خود، کتاب سه‌جلدی این کیمیای هستی را یکی از آثار بسیار مهم و مؤثر در حوزه‌ی

## سیصدویست و دومین نشست حافظانه

نشست بازشناسی ترجمه‌ی پال اسمیت استرالیایی از دیوان حافظ

سیصدویست و دومین نشست از مجموعه نشست‌های مرکز حافظ‌شناسی، با عنوان بازشناسی کتاب ترجمه‌ی پال اسمیت استرالیایی از دیوان حافظ، روز دوشنبه ۲۶ فروردین‌ماه ۱۳۹۸، در آرامگاه حافظیه، با حضور جمعی از دانشگاهیان و اهالی فرهنگ و ادب برگزار شد.

این مراسم با سخنرانی دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ آغاز شد. وی ضمن خوشامدگویی به حاضران و سپاسگزاری از خانم دکتر زهرا طاهری، استاد دانشگاه ملی استرالیا که دعوت مرکز حافظ‌شناسی را برای سخنرانی در این نشست پذیرفتند، درخصوص اهمیت ترجمه گفت:

ترجمه‌ی مناسب و درست، دری است که به جهانی دیگر بازمی‌شود و راهی است که معنا و مفهوم آثار ارزشمند ما را به ذهن و ضمیر دیگران منتقل می‌کند. ترجمه و سیله‌ای است که از طریق آن می‌توان خود را در دیگران گسترده. بی‌گمان اگر امروز

شش سال پس از پیوستن به مریدان مهربابا، پال اسمیت در سال ۱۹۷۱ کار برگرداندن دیوان حافظ به انگلیسی را شروع می‌کند و در طول دوازده سال ترجمه‌ی ۷۹۱ شعر را به‌تمام می‌رساند. خودش معتقد است که اولین کسی است که فرم درست غزل را به انگلیسی سروده است و از قول یکی از دوستان حافظ‌شناسش می‌نویسد که این ترجمه ۹۹ درصد حافظ است و ۱ درصد پال اسمیت.



اولین کسی که ترجمه‌ی دیوان حافظ را از او می‌خرد، جودیت رایت یکی از معروف‌ترین شاعران استرالیاست. او بعد از آشنایی با حافظ و با الهام از شعرهای او، مجموعه‌شعری به نام غزل چاپ می‌کند. پال اسمیت هم بعد از آن ۳۰ کتاب، مقاله، نمایشنامه، داستان، داستان‌های رادیویی و کتاب کودکان براساس زندگی حافظ نوشته است. یک رمان سه‌جلدی هم براساس شرح حال حافظ نوشته که نوشتن آن ۱۴ سال طول کشیده و بعداً به‌صورت نمایشنامه درآمده و در دهه‌ی نود در استرالیا اجرا شده است. موسیقی متن این نمایشنامه را جان راس موسن که موسیقی‌دانی بسیار پرآوازه‌ای است، نوشته و اخیراً هم اسمیت مجموعه‌ی شعری چاپ کرده که آغاز هر شعرش مطلع غزلی از حافظ است.

دکتر طاهری، افزود: پال اسمیت خود شاعر است و با ادبیات آشنایی نزدیکی دارد. آشنایی‌اش با حافظ را مدیون مراد خود، مهربابا است. پس از خواندن نوشته‌های مهربابا که معتقد بود تا آن زمان کسی نتوانسته است حافظ را از طریق ترجمه، به انگلیسی‌زبان‌ها بشناساند، پال اسمیت با مقاله‌ها و ترجمه‌های مسعود فرزاد آشنا می‌شود. در یکی از این مقالات مسعود فرزاد می‌نویسد: «دیوان حافظ منتظر یک شاعر انگلیسی‌زبان است که با یک پژوهشگر حافظ‌شناس ایرانی همکاری کند تا بتواند شعرهای حافظ را به انگلیسی ترجمه کند. چون یک انگلیسی‌زبان، توانایی شناخت ظرافت‌های زبان شعر حافظ را نمی‌تواند داشته باشد و یک فارسی‌زبان هم نمی‌تواند ترجمه‌ی خوبی براساس ظرافت‌های زبانی انگلیسی به‌دست بدهد».

پال اسمیت به جمع‌آوری ترجمه‌های دیوان حافظ به انگلیسی می‌پردازد و در طول هشت سال تمام ترجمه‌های دیوان حافظ به انگلیسی را می‌خواند. از سال ۱۹۰۵ تا زمان ترجمه‌ی دیوان حافظ، پال اسمیت در سال ۱۹۸۶ بیش از ۶۰ برگردان دیوان حافظ به انگلیسی چاپ شده است که او همه را می‌خواند. وی می‌نویسد که برایش امکان اینکه زبان فارسی را در حد شعر حافظ یاد بگیرد وجود نداشته و برای نزدیک شدن به جهان شعر فارسی، نیاز به حداقل ده سال آموزش زبان فارسی داشته است، که بتواند یک ترجمه‌ی تحت‌اللفظی مانند دیگران به‌دست بدهد. دو سال از وقتش را هم به یادگرفتن سرودن غزل به انگلیسی سپری می‌کند، اما هنوز اسباب بزرگی خود را مهیا نمی‌بیند. اسمیت می‌نویسد که شبی در یاس و نومیدی و حالتی که می‌تواند آن را «دل‌تنگی برای خدا» بنامد در حالی شبیه به خلسه قلم به دست می‌گیرد و شعری می‌سراید و راضی از آنچه سروده است، فردا تمام ترجمه‌های موجود غزل «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند» را جمع و کار ترجمه را شروع می‌کند. در طول یک سال و نیم پس از شروع ترجمه، ۱۵۰ غزل را به انگلیسی برمی‌گرداند، اما تلاش و کم‌وکاستی‌ها و فرسودگی روحی باعث می‌شود که کار ترجمه را رها کند. در همان زمان در گوش جان‌ش ندایی می‌شنود که می‌گوید: «تو تا به حال این کار را برای خودت کرده‌ای. از این به بعد این کار را برای من بکن. فقط یک بار دیگر امتحان کن و قلم را بردار. من تو را یاری خواهم کرد». وقتی دوباره قلم به دست می‌گیرد، این او نیست که می‌نویسد، بلکه قلم خود به نوشتن روان است. برای تمام کردن کار ترجمه با بیم و امیدهای بسیاری دست‌به‌گریبان می‌شود و شبی هم حافظ را به خواب می‌بیند در باغ گل سرخی که در اطراف مزار اوست، از این خواب درمی‌یابد که طنز و ظرافت کلام حافظ را نادیده انگاشته و بعد از آن مدتی را به کار کردن روی جنبه‌های طنز و ظرافت‌های کلامی حافظ می‌گذراند. دکتر طاهری اظهار داشت: جان کلام پال اسمیت در پایان مقدمه‌اش بر دیوان حافظ این است که حافظ پیرروحانی او و تمام کسانی است که با شعرهایش فال می‌گیرند.

این نشست با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز برگزار گردید.



بزرگان ادبی ما در جهان شناخته‌شده و نام‌آورند، به همین دلیل است که آثارشان ترجمه شده است. اگر کسی مانند فیتزجرالد انگلیسی نبود، خیام این همه در جهان محبوبیت نداشت. درست است که ترجمه‌ی فیتزجرالد از خیام با خیامی که ما در ایران می‌شناسیم تفاوت‌های بسیار دارد، اما جهان غرب خیام را عموماً از طریق همین ترجمه‌ی فیتزجرالد می‌شناسد. اگر می‌شنویم آثار مولوی در چند سال اخیر از پرفروش‌ترین آثار جهان غرب و آمریکا است، یکی از دلایل این آوازه، ترجمه‌ای است که مثلاً کلمن بارکس از آثار مولانا داشته است و این در حالی است که نه کلمن بارکس و نه پال اسمیت و نه بسیاری دیگر از مترجمان آثار فارسی، با زبان فارسی و با ظرافت‌های ادبی این زبان آشنایی ندارند. در واقع آن چه از طریق ترجمه به نام اشعار حافظ یا خیام یا مولانا در جهان منتشر و خوانده می‌شود با حقیقت این اشعار فاصله‌ی بسیار دارد. اما از سوی دیگر، هیچ چاره‌ای هم نیست جز تلاش برای ترجمه و البته تلاش برای ترجمه‌ی صحیح.

وی افزود: شعر، به‌ویژه اشعار حافظ که پر از ایهام و معانی چندپهلوست و شعری ست لایه‌لایه و تودرتو، هرگز تن به ترجمه نمی‌دهد و آن چه از صافی ترجمه می‌گذرد، بخش بسیار اندکی از آن شعر واقعی است.

برای ترجمه، هم شناخت شایسته‌ی زبان مبدأ ضروری است و هم شناخت شایسته‌ی زبان مقصد. اگر یک اثر ادبی فاخر مثل شعر حافظ که پر از پیچیدگی‌های زبانی است، بخواهد ترجمه شود، افزون بر آشنایی با زبان فارسی، نیازمند درک ظرافت‌های زبانی و بیانی شعر حافظ هم هست. کدام متن ادبی است که از چنین بختیاری بهره‌مند باشد که مترجم آن متن هم بر زبان مبدأ، هم بر زبان مقصد و هم به روح اثر ادبی تسلط داشته باشد و آن را به درستی درک کند؟ با این همه، کسی مانند فیتزجرالد به دلیل ذوق شعری و آشنایی با ذائقه‌ی مردم مغرب‌زمین ترجمه‌ای را که به نام خیام منتشر کرد چون با ذائقه‌ی مردم سازگار بود، مشهور شد و خوانندگان بسیاری یافت. کسی مانند کلمن بارکس که خودش زبان‌شناس و شاعر است و کسی مثل پال اسمیت که شاعر است، به دلیل همین ذائقه‌ی شعری، اگر زبان مبدأ را هم نشناسند، چون زبان مقصد را خوب می‌دانند، اگر ترجمه‌ی مناسبی فراهم آورند، ترجمه‌ی آن‌ها در زبان مقصد علاقه‌مندان بسیاری می‌تواند داشته باشد. با این همه، همیشه باید به یاد داشته باشیم که این ترجمه‌ها با اصل اثر که در زبان مبدأ پدید آمده است، بسیار فاصله دارد.

سپس دکتر زهرا طاهری، استاد دانشگاه ملی استرالیا و سخنران این نشست، به شرح حال و زندگی پال اسمیت پرداخت. این استاد دانشگاه نخست تاکید کرد: برای دریافتن درک و دانش پال اسمیت از حافظ و شعرش، باید دید که او از چه زاویه‌ای به حافظ می‌نگرد؟ حافظ از دیدگاه او چگونه انسانی است و شعر حافظ را حاوی چه پیامی می‌داند؟ باید دید که پال اسمیت کدام بُعد حافظ را می‌شناسد و از کدام بُعد غافل مانده است؟

به گفته‌ی وی پال اسمیت در سال ۱۹۶۵ در یک سفر دریایی از بمبئی به ایتالیا، با مردی آشنا می‌شود که تازه به خیل مریدان «مهربابا» پیوسته بود. پس از یک سال بررسی زندگی و تعالیم مهربابا، اسمیت به‌گروه مریدان او می‌پیوندد، طریق او را پیشه می‌کند و او را به‌عنوان پیرروحانی خود برمی‌گزیند. در دوران خواندن «مقالات» مهربابا، اسمیت با نام و شرح حال حافظ آشنا می‌شود. مهربابا (۱۸۹۴-۱۹۶۹) اصالتاً ایرانی است و نامش مروان شهریار ایرانی است. او در یک خانواده‌ی زرتشتی ایرانی در هند به دنیا آمده، در ۱۹ سالگی به تحولات روحانی رسیده و پس از هفت سال سلوک تحت ارشاد پنج مرشد روحانی، خود را رهبر روحانی‌ای که تجسم حضور خدا در زمین است، می‌دانست. او در ۲۷ سالگی مکتب روحانی خود را بنا نهاد و مریدان و پیروان بسیاری به او اعتقاد آوردند. از ۳۰ سالگی سکوت اختیار کرد و از طریق الفبا و اشارات دست با دیگران ارتباط برقرار می‌کرد. روزه و چله‌نشینی از اصول تعالیم او بود و در جمع بزرگ پیروانش از آل. اس. دی و داروهای مخدر دیگر استفاده می‌کرد. مهربابا شیفتگی غربی به حافظ داشت و در شرح حال او نوشته است که حافظ، بزرگ‌ترین شاعر روی زمین است؛ اما هنوز کسی نتوانسته است شعرهایش را به انگلیسی ترجمه کند.

## سیصدوبیست و سومین نشست حافظانه

### سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد و کاربرد آن در شعر حافظ

سیصدوبیست و سومین نشست مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ با عنوان «سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد و کاربرد آن در شعر حافظ» در تاریخ ۲۸ خردادماه ۱۳۹۸، با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و مرکز پژوهش‌های زبان و ادب فارسی دانشگاه شیراز، با حضور جمعی از دانشگاهیان و اهالی فرهنگ و هنر فارس، در سالن چمران دانشگاه شیراز برگزار گردید.

در این مراسم نخست دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی ضمن خوش‌آمدگویی به حضاران و سیاست‌گذاری از دکتر مولودی، به زحمات سپاس‌برانگیز استاد خدایپرستی اشاره کرد و گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی‌ی دانشگاه شیراز را از پیشگامان ایجاد پیکره‌بنیاد فارسی دانست.

دکتر حسن‌لی به اهمیت منابع پایه‌ای همچون پیکره‌های زبانی برای مطالعات مختلف پرداخت و افزود: پیکره‌های زبانی امروزه با فناوری‌های جدید که امکان جستجوهای متنوع را می‌دهد، این منابع پایه‌ای و این داده‌های زبانی را بسیار کاربردی‌تر از گذشته کرده‌اند.

وی ایجاد و گسترش پیکره‌های زبانی را همچون سرمایه‌های خام اولیه و معادن عظیمی دانست که نه تنها در تحلیل‌های زبانی ارزشمندند بلکه برای بسیاری از تولیدات زبانی و ادبی نیز کارآمد و گره‌گشا هستند.

ایشان گفت: اگر این بانک‌های پیکره‌ای از محدوده‌ی واژگانی فراتر برود و ساختارهای نحوی و حتی کارکردهای هنری را هم فراگیرد، در توصیفات زبانی و در تحلیل‌های اجتماعی زبان هم دستگیر پژوهشگران خواهد بود.

مدیر مرکز حافظ‌شناسی بیان داشت: با داشتن پیکره‌ی کامل زبانی از متون گذشته‌ی دیگر برای توصیف و تحلیل رفتارهای حافظ با زبان فارسی نیازی به فیش‌نویسی و صرف وقت بسیار برای گردآوری اطلاعات نخواهیم داشت. چون همه‌ی این اطلاعات در همان منابع و بانک‌های پیکره‌های گردآوری شده است.

در ادامه‌ی این مراسم دکتر امیرسعید مولودی، استاد زبان‌شناسی دانشگاه شیراز به سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد و شیوه‌ی کاربست آن در اشعار حافظ پرداخت.



ایشان با بیان این مقدمه که با ظهور زبان‌شناسی پیکره‌ای در دهه‌ی ۶۰ غالباً تحلیل‌های دستی جای خود را به تحلیل‌های رایانه‌ای داده‌اند، گفت: تمرکز زبان‌شناسی پیکره‌ای روی روش‌ها و فرایندهای مطالعه‌ی زبان است و این حوزه‌ی مطالعاتی با مجموعه‌ای از متون الکترونیکی ماشین‌خواندنی به نام پیکره سرو کار دارد.

وی گفت: پیکره‌ها دارای انواعی چون خاص، عام، تاریخی، موازی، به‌روزشونده، چندزبانه و زبان‌آموز هستند و نرم‌افزارهای واژه‌نما/واژه‌یاب نمونه‌ای از این ابزارها هستند که امکانات متعددی همچون نمایش واژه در بافت متنی، ارائه‌ی فهرست بسامدی واژه‌های متن، نمایش هم‌آیندهای موجود در متن، مشخص کردن کلیدواژه‌های متن و ارائه‌ی خوشه‌های واژگانی را برای کاربران فراهم می‌کنند. بنابراین با داشتن چنین نرم‌افزارهایی می‌توان به مطالعات زبانی کمی و کیفی پرداخت.

دکتر مولودی افزود: در سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد، به‌منظور شناسایی سبک نگارش نویسنده، روش‌های دستی و ماشینی با یکدیگر تلفیق شده، تمامی مؤلفه‌های متن استخراج می‌گردد.

وی گفت: از جمله مواردی که توسط ماشین و به‌صورت خودکار صورت می‌پذیرد، محاسبه‌ی هم‌آیندها، خوشه‌های واژگانی، فهرست بسامدی واژه‌ها و کلیدواژه‌های متن است. مواردی که عمدتاً به‌صورت دستی و بعضاً به‌صورت ماشینی و خودکار صورت می‌گیرد نیز، شامل برچسب‌زنی صرفی، نحوی و معنایی می‌شود؛ به این معنی که اطلاعات صرفی، نحوی و معنایی تمامی واژه‌های متن، توسط انسان یا موتورهای برچسب‌زن خودکار به پیکره‌ی متنی اضافه می‌شود. با در اختیار داشتن داده‌ی برچسب‌خورده در سه سطح گفته‌شده و داشتن یک نرم‌افزار واژه‌نما، می‌توان فهرست برچسب‌های صرفی و ساخت‌های نحوی و معنایی متن را به همراه فراوانی وقوعشان در متن شناسایی نمود و به‌تصویر دقیقی از سبک نویسنده دست یافت.

استاد دانشگاه شیراز تأکید کرد: روش نام‌برده را می‌توان برای هر اثری اعمال کرده و سبک نگارش آن را شناسایی نمود. بنابراین می‌توان این شیوه‌ی نوین مطالعاتی را بر روی متن الکترونیکی اشعار حافظ نیز به کار بست و سبک نگارش آن را براساس وجوه متعدد ذکرشده مشخص نمود. ایشان تأکید کرد، برای دستیابی به این مهم، نخست باید داده‌های الکترونیکی غزلیات حافظ و همچنین همه‌ی شاعران هم‌عصر او تعیین شود. به این معنا که شناسنامه‌ی هر غزل به‌طور کامل مشخص شود. سپس داده‌های موردنظر در سه سطح صرفی، نحو و معنا برای مسائلی که بررسی می‌کنیم، مشخص گردد. همچنین برچسب‌هایی که برای دیگر صناعات ادبی می‌شناسیم، باید مشخص شود تا به نتیجه‌ی مطلوبی برای انجام سبک‌شناسی پیکره‌بنیاد روی متن الکترونیکی اشعار حافظ دست یافت.

## سیصدوبیست و چهارمین نشست حافظانه

### یادمان «شادروان استاد هاشم جاوید»

در آن‌ها افزود:

همه‌ی نویسندگان و پژوهشگران بزرگ، مانند استاد جاوید، آثار تحقیقی خود را پس از مطالعات بسیار و در دوران پختگی عرضه کرده‌اند.

دکتر رستگاری به کتاب ارزشمند حافظ جاوید (چاپ اول ۱۳۷۵ - نشر فرزانه روز) اشاره کرد و گفت: دقت و ایجاز قلم نویسنده و شیوه‌ی

سیصدوبیست و چهارمین نشست حافظانه‌ی مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، به «یادمان شادروان استاد هاشم جاوید» اختصاص یافت و با حضور جمعی از دانشگاهیان، اهالی فرهنگ و هنر و خانواده‌ی محترم جاوید برگزار شد.

یادمان «شادروان استاد هاشم جاوید» در یکمین سال درگذشت او،



تقریر پلکانی در نگارش مقالات، از شکردهای خاص مرحوم جاوید بوده است؛ در صورتی‌که هر یک از مقالات کوتاه این کتاب که راهگشای مطالعات حافظ‌پژوهی است، می‌توانست با حواشی و تفصیلی ملال‌آور نوشته شود.

ایشان در ادامه به دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی ذیل مدخل حافظ جاوید اشاره کرد و گفت: در این کتاب آمده است که کتاب حافظ جاوید حاوی ۱۱۰ مقاله است؛ در حالی‌که چاپ دوم کتاب در سال ۱۳۷۷ با اصلاحات و الحاقات فراوان منتشر شد و تعداد مقالات کتاب به ۱۲۱ رسید.

وی در پایان به دیوان حافظ (چاپ اول ۱۳۷۸ - نشر فرزانه روز) پرداخت که براساس قرائت‌گزینی انتقادی از میان تصحیح‌های معتبر پیشین به‌چاپ رسیده و مصححان افزون‌بر روایت نسخ و دگرسانی‌های شعری، به‌مسئله‌ی درایت و درست‌خوانی شعر هم نظر داشته‌اند.

خانم لادن چالاک از نزدیکان مرحوم هاشم جاوید نیز، آخرین سخنران این نشست بود که درباره‌ی مرحوم هاشم جاوید گفت: استاد هاشم جاوید، در برابر بحران‌های اخلاقی جامعه‌ی معاصر حساس بود و هشدار می‌داد. او هنرمندی متعهد بود.



تعهدی بزرگ برای حفظ اخلاقی که می‌پنداشت در جهان معاصر رو به فناست. هاشم جاوید می‌گفت و اصرار می‌ورزید که وظیفه‌ی تک تک ما حفظ و نگه‌داشتن ارزش‌هاست. ایشان افزود: استاد جاوید همواره تأکید می‌کرد که تنها چیزی که امکان تکامل معنوی انسان را فراهم می‌کند، هنر است.

به همت مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز پژوهش‌های زبان و ادب فارسی در تاریخ ۲۹ خردادماه ۱۳۹۸ در سالن چمران دانشگاه شیراز برگزار شد.

در این مراسم نخست آقای دکتر کاووس حسن‌لی مدیر مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، ضمن خوش‌آمدگویی به حضاران، از استاد تازه درگذشته ناصر امامی یاد کرد و گفت: ناصر امامی، از جمله افرادی است که سهم بزرگی در شناسنامه‌ی فرهنگ و ادب فارس دارد.

ایشان با ابراز تاسف از عروج بزرگان و شخصیت‌های نامدار فارس، اضافه کرد: همگان از اینکه این بزرگان از دست‌رفته جایگزین داشته باشند، تردید دارند.

مدیر مرکز حافظ‌شناسی، استاد هاشم جاوید را از سرمایه‌های عظیم و گرانبمایه‌ی شیراز خواند و افزود: اگر حتی تنها کتاب حافظ جاوید از ایشان باقی مانده بود؛ ما را به تعظیم و سپاس در برابر دانش و اندیشه‌ی او وامی‌داشت.

در ادامه آقای دکتر رضا رستگاری، پژوهشگر دوره‌ی رسادکتری کرسی پژوهشی حافظ، اشاره‌ای کوتاه به زندگی مرحوم جاوید کرد و به معرفی آثار مرحوم جاوید پرداخت که شامل اشعار، مقالات چاپ‌شده در مجلات قدیم، کتاب حافظ جاوید و تصحیح دیوان حافظ با همکاری استاد بهاء‌الدین خرمشاهی است.



ایشان ضمن اشاره به اهمیت بازخوانی متون گذشته و درنگ و دقت